زیارت عاشورا و دعای علقمه

باترجمه فارسی روان مناسب برای ختم زیارت عاشورا

کلب آستان حسین، مهدی رجب پور

زیارت عاشورا

روزی۳بار بخوانی عالی است واگرنتوانستی یکبار بخوان

بجای ۱۰۰ بار لعن و سلام میتوانی بعداز سلام ولعن بگویی: تسعاً وتسعین مَرّه

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای اباعبدالله، سلام بر تو ای

ابْنَ رَسُولِ اللهِ، [السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ و ابْنَ

فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا و پسر

خِيَرَتِهِ]، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

برگزیدهٔ او، سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و

ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ

فرزند سَرور اوصیا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه

سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ

سرور بانوان جهانیان، سلام بر تو ای آنکه خدا خون‌خواهی‌اش کند

وَ ابْنَ ثَارِهِ، وَ الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى

و فرزند خون خواهی شده، و ای کشته‌ای که انتقام کشتگانت را نگرفتی؛ سلام بر تو

الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا

و بر روان‌هایی که فرود آمدند به آستانت.

سَلَامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، يَا أَبَا

بر شما همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه، تا من بر جایم و برجاست

عَبْدِ اللّٰهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ

شب و روز. ای اباعبدالله، هرآینه عزایت بزرگ شد و

الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَ

سنگین و بزرگ شد مصیبت تو بر ما و بر همهٔ اهل

جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَىٰ جَمِيعِ

اسلام، بس بزرگ و عظیم گشت مصیبتت در آسمان‌ها

أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ

بر همهٔ اهل آسمان‌ها. خدا لعنت کند امّتی را که بنیان نهاد

الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً

بنای ستم و بی‌داد را بر شما اهل‌بیت؛ خدا لعنت کند

دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ

قومی را که شما را از مقامتان دور کردند و از مرتبه‌هایتان برکنار کردند؛ مرتبه‌هایی

الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللّٰهُ فِيهَا، وَ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ،

که خدا شما را در آنها جای داد؛ و خدا لعنت کند امتی را که شما را کشتند؛

وَ لَعَنَ اللّٰهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ،

و لعنت کند خدا آنان را که امکان و توان جنگ با شما را برای ایشان تدارک

بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ

دیدند. من بیزاری می‌جویم به‌سوی خدا و به‌جانب شما از ایشان و از شیعیان و

أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ

پیروان و دوست‌دارانشان. ای اباعبدالله، من در صلحم با کسی‌که

سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

با شما صلح کرد و در جنگم با کسی‌که با شما جنگید تا روز قیامت.

وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً،

خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را و خدا تمام بنی‌امیه را لعنت کند؛

وَ لَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَ لَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ

و لعنت کند خدا پسر مرجانه و لعنت کند عمربن‌سعد و لعنت کند [یزید را و]

سَعْدٍ، وَ لَعَنَ اللهُ شِمْرًا، وَ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ

لعنت کند شمر را؛ و لعنت کند خدا امتی را که مرکب‌ها را زین کردند

وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، بِأَبِي أَنْتَ وَ

و لگام زدند و نقاب بر چهره زدند [آماده شدند] برای جنگ با تو. پدر و

أُمِّي، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ، فَأَسْأَلُ اللهَ الَّذِي أَكْرَمَ

مادرم به فدایت! همانا مصیبتت بر من سنگین شد. درخواست می‌کنم از خدا که گرامی داشت

مَقامَكَ وَ أَكْرَمَنِي [بِكَ]، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِكَ مَعَ

مقامت را و مرا کرامت بخشید، که روزی من کند خون‌خواهی تو را همراهِ

إِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

پیشوای یاری‌شده از اهل‌بیت محمد، درود خدا بر او و خاندانش.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ

خدایا! به‌حق حسین علیه‌السلام مرا نزد خود آبرومند قرار ده

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

در دنیا و آخرت. ای اباعبدالله، من تقرب می‌جویم

إِلَى اللهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَ

به خدا و رسولش و امیرمؤمنان و فاطمه و

إِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ، بِمُوَالاتِكَ وَ بِالْبَرَاءَةِ [مِمَّنْ قَاتَلَكَ

حسن و شما، به‌سبب دوستی تو و به بیزاری از کسی که [با تو جنگید

وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ

و آتش جنگ را برافروخت و به برائت از کسی که پایه‌گذاری کرد اساس

الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ وَإِلَى رَسُولِهِ] مِمَّنْ

ستم و جور را بر شما و بیزارم به‌سوی خدا و رسولش از آنکه]

أَسَّسَ أَساسَ ذٰلِكَ، وَ بَنىٰ عَلَيهِ بُنْيانَهُ، وَ جَرىٰ فِي

اساس آن واقعه را بنیان نهاد و کسی که این کار را بنا نهاد و روا کرد

ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيكُمْ وَعَلىٰ أَشْياعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ

ستم و بیدادش را بر شما و شیعیان شما؛ بیزارم به‌سویِ خدا

وَإِلَيكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ ثُمَّ إِلَيكُمْ بِمُوالاتِكُمْ

و شما از ایشان، و به خدا تقرب می جویم و پس از آن به شما نیز، با دوستی نسبت به شما

وَ مُوالاةِ وَلِيِّكُمْ، وَ بِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَ النّاصِبِينَ

و دوستی نسبت به دوستان شما و به بیزاری از دشمنانتان و برپاکنندگان

لَكُمُ الْحَرْبَ، وَ بِالْبَراءَةِ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَ أَتْباعِهِمْ، إِنِّي

جنگ با شما، و به بیزاری از شیعیان و پیروان آنها، تقرب می‌جویم. من

سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ، وَ وَلِيٌّ

در صلحم با آنکه در صلح با شماست و در جنگم با آنکه در جنگ با شماست و دوستم

لِمَنْ والاكُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ، فَأَسْأَلُ اللّٰهَ الَّذِي

با دوستدار شما و دشمنم با دشمن شما. پس درخواست می‌کنم از خدایی که

أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَ رَزَقَنِي

مرا به معرفت شما و دوستان شما گرامی داشت و روزی‌ام کرد

الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ

بیزاری از دشمنان شما را؛ اینکه مرا با شما قرار دهد در دنیا و

الْآخِرَةِ، وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا

آخرت و جایگاهم را نزد شما استوار بدارد در دنیا و

وَ الْآخِرَةِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ

آخرت و از او می‌خواهم که مرا برساند به مقام ستوده‌ای که برای شما

عِنْدَ اللهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدًى

نزد خداست، و روزی‌ام کند خونخواهی‌تان را به همراه امام هدایت‌گرِ

[مَهْدِيٍّ] ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَ أَسْأَلُ اللهَ

آشکار و گویای از خاندان شما. از خدا درخواست می‌کنم،

بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي

به‌حق شما و شأنی که برای شما نزد اوست، عطا کند به من به‌خاطرِ مصیبتم

بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً

به شما، برترین چیزی را که عطا کند به مصیبت‌زده‌ای به‌خاطرِ مصیبتش.

مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ

چه مصیبت بزرگی است آن مصیبت و چه عظیم است آن عزا در اسلام و

فِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ [الْأَرَضِينَ]، اَللّٰهُمَّ

در همهٔ آسمان‌ها و زمین! خدایا

اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ

در این جایگاه مرا از کسانی قرار ده که می‌رسد از جانب تو به آنان درود

رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ

و رحمت و آمرزش. خدایا! حیاتم را حیات محمد و

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

خاندان محمد، و مرگم را مرگ محمد و خاندان محمد قرار ده.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ ابْنُ آكِلَةِ

خدایا! این روز، روزی است که به آن تبرک جستند بنی‌امیه و فرزند

الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ

جگرخوار، آن لعنت‌شدهٔ فرزند لعنت‌شده بر زبان تو و زبان پیامبرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ

که درود خدا بر او و خاندانش، در هر کجا و هر موقفی

نَبِيُّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَ

که پیامبرت که درود خدا بر او و خاندانش، در آن ایستاد. خدایا لعنت کن ابوسفیان و

مُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْآبِدِينَ،

معاویه و یزیدبن معاویه را که از جانب تو، بر آنان لعنت باد به جاودانگی جاودان‌ها.

وَ هَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ

و امروز روزی است که خوشحال شدند به این روز، خاندان زیاد و خاندان مروان

الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ

به‌خاطرِ کشتن امام حسین، درود خدا بر او. خدایا! پس دو چندان کن بر آنان

اللَّعْنَ مِنْكَ وَ الْعَذَابَ [الْأَلِيمَ]، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ

لعنت و عذابت را. خدای من! تقرب می‌جویم

إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي مَوْقِفِي هَذَا، وَ أَيَّامِ حَيَاتِي

به تو در این روز و در این جایگاه و همهٔ روزهای زندگی‌ام،

بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ، وَ بِالْمُوَالاةِ لِنَبِيِّكَ وَ

به بیزاری‌ام از اینان و لعنت بر ایشان، و به دوستی پیامبر و

آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. صد مرتبه بگو:

خاندان پیامبرت که درود بر او و ایشان.

اَللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

خداوندا! لعنت کن نخستین ستمکاری را که به حق محمد و خاندان محمد، ستم کرد

وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَىٰ ذَلِكَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي

وآخرین کسی را که در این ستم از او پیروی نمود. خدایا! لعنت کن جمعیتی را که

جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ

با حسین مجاهده کردند و همراهی نمودند و پیمان بستند و پیروی کردند

عَلَىٰ قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا. صد مرتبه بگو:

بر کُشتن آن حضرت! خدایا همهٔ آنان را لعنت کن.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ، وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ

سلام بر تو ای اباعبدالله، و بر جان‌هایی که

الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللّٰهِ

به درگاهت فرود آمدند؛ از جانب من سلام خدا بر تو باد همیشه، تا

أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ لَا جَعَلَهُ

هستم و تا شب و روز باقی است. خدا زیارت شما را آخرین

اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى

زیارت از سوی من قرار ندهد. سلام بر حسین و

الْحُسَيْنِ، وَ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ عَلَىٰ أَوْلَادِ

بر علی‌بن‌حسین و فرزندان حسین و

الْحُسَيْنِ، وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. پس بگو:

یاران حسین....

اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَ ابْدَأْ

خدایا! اختصاص ده اولین ستمکار را از جانب من به لعنت، و آغاز

بِهِ أَوَّلًا، ثُمَّ [الْعَنِ] الثَّانِيَ وَ الثَّالِثَ وَ الرَّابِعَ،

کن به آن لعنت اولین را سپس دومین و سومین و چهارمین را،

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَ الْعَنْ عُبَيْدَ اللهِ بْنَ زِيَادٍ،

خدایا! یزید، پنجم آنان را لعنت کن، و لعنت کن عبیدالله‌بن‌زیاد

وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَ شِمْرًا، وَ آلَ

و پسر مرجانه و عمربن‌سعد و شمر و خاندان

أَبِي سُفْيَانَ وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ، إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ابوسفیان و خاندان زیاد و خاندان مروان را تا روز قیامت.

به سجده برو و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ،

خدایا! سپاس تو را، سپاس شکرگزاران بر مصیبت‌زدگی خویش؛

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ

خدای را سپاس بر بزرگی عزایم. خدایا! روزی‌ام کن شفاعت

الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ

حسین را در روز ورود [به قیامت] و ثابت بدار قدم صدق مرا نزد خود

مَعَ الْحُسَيْنِ، وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا

به همراه حسین و یاران حسین؛ آنان که جانشان را بخشیدند

مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

در دفاع از حسین، درود بر او.

دعای علقمه یا صفوان

بعد از زیارت عاشورا دورکعت نماز زیارت بخوان وسپس این دعا را بخوان تاحاجت روا گردی

يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای پاسخ‌دهندهٔ خواستهٔ بیچارگان، ای

كَاشِفَ كُرَبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ

برطرف‌کنندهٔ اندوهِ اندوهگینان، ای فریادرس دادخواهان،

وَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَ يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ

و ای دادرس دادجویان، ای آن که به من نزدیک‌تر است

حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ، وَ يَا مَنْ هُوَ

از رگ گردن ، ای آن که میان شخص و دلش پرده می‌شود، ای آن که

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ، وَ يَا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ

بر دیدگاه برتر است، و بر افق روشن، ای آن که بخشنده

الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوىٰ، وَ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ

و مهربان است، و بر حکومت هستی استیلا دارد، ای آن که می‌داند خیانت

الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ يَا مَنْ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ خَافِيَةٌ،

چشم‌ها، و آن‌چه را سینه‌ها پنهان کنند، و ای آن که هیچ پوشیده‌ای بر او مخفی نیست،

يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَ يَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ

ای آن که صداها بر او مشتبه نشود، ای آن که او را به اشتباه نیندازند

الْحَاجَاتُ، وَ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ، يَا مُدْرِكَ

نیازمندی‌ها، ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، ای دریابندهٔ

كُلِّ فَوْتٍ، وَ يَا جَامِعَ كُلِّ شَمْلٍ، وَ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ

هر ازدست‌رفته، ای گردآورندهٔ هر پراکنده، ای آفرینندهٔ جان‌ها

بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ

پس از مرگ، ای آن که هر روز در کاری است، ای برآورندهٔ

الْحَاجَاتِ يَا مُنَفِّسَ الْكُرُبَاتِ، يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ يَا

حاجات، ای بیرون‌آورندهٔ غم‌ها از دل‌ها، ای بخشندهٔ خواهش‌ها، ای

وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ

سرپرست رغبت‌ها، ای کفایت‌کنندهٔ امور مهم، ای آن که کفایت کند

كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ

از هرچیز، و کفایت نکند از او چیزی در آسمان‌ها و

الْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِيٍّ أَمِيرِ

زمین؛ از تو درخواست می‌کنم به‌حق محمد خاتم پیامبران، و علی امیر

الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ

مؤمنان و به‌حق فاطمه دختر پیامبرت، و به‌حق حسن و حسین،

الْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَ بِهِمْ

من در این جایگاه به وسیلهٔ آنان به تو توجه می‌کنم و به ایشان متوسل می‌شوم،

أَتَوَسَّلُ وَ بِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ، وَ بِحَقِّهِمْ أَسْأَلُكَ وَ أُقْسِمُ

و به آنان به سویت شفاعت می‌خواهم، و به حق آنان از تو می‌خواهم و سوگند می‌خورم

وَ أَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَ بِالْقَدْرِ

و تو را سوگند می‌دهم و به شأنی که برای آنان نزد توست، و به مرتبه‌ای

الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،

که برای آنان نزد تو است، و به آن‌چه آنان را بر جهانیان برتری دادی،

وَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَ بِهِ خَصَصْتَهُمْ

و به نامت که نزد آنان قرار دادی، و اختصاصشان دادی به آن نام

دُونَ الْعَالَمِينَ، وَ بِهِ أَبَنْتَهُمْ وَ أَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ

از میان جهانیان، و به آن نام، وجودشان و فضلشان را آشکار نمودی

فَضْلِ الْعَالَمِينَ، حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ

از فضل جهانیان، تا فضل آنان بر فضل همهٔ جهانیان برتری گرفت،

جَمِيعًا، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ

از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی،

أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي، وَ تَكْفِيَنِي

و غم و نگرانی و گرفتاری‌ام را برطرف کنی، و مرا کفایت نمایی

الْمُهِمَّ مِنْ أُمُورِي، وَ تَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَ تُجِيرَنِي مِنَ

در امور مهمم و قرضم را ادا کنی، و پناهم دهی

الْفَقْرِ وَ تُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ، وَ تُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى

از تهیدستی و درماندگی، و بی‌نیازم نمایی از درخواست نمودن

الْمَخْلُوقِينَ، وَ تَكْفِيَنِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَ عُسْرَ

از مخلوقات، و از من کفایت کنی اندوه کسی را که از اندوهش می‌ترسم، و دشواری

مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَ حُزُونَةَ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ، وَ شَرَّ

کسی که از دشواری‌اش هراس دارم و ناهمواری کسی را که از ناهمواری‌اش بیم دارم،

مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ، وَ مَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَ بَغْيَ مَنْ

و شر کسی که از شرش می‌ترسم، و فریب کسی که از فریبش وحشت دارم، و تجاوز کسی

أَخَافُ بَغْيَهُ، وَ جَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ، وَ سُلْطَانَ مَنْ

که از تجاوزش بیم دارم، و ظلم کسی که از ظلمش می‌ترسم و سلطهٔ کسی که از

أَخَافُ سُلْطَانَهُ، وَ كَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ، وَ مَقْدُرَةَ

سلطه‌اش وحشت دارم، و حیلهٔ کسی که از حیله‌اش می‌ترسم، و قدرت

مَنْ أَخَافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَيَّ، وَ تَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيَدَةِ

کسی که از قدرتش به خود می‌ترسم، و از تو می‌خواهم از من بگردانی بداندیشیِ بداندیشان

وَ مَكْرَ الْمَكَرَةِ، اَللّٰهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ، وَ مَنْ كَادَنِي

و مکر مکاران را. خدایا هرکه قصد من کرده قصدش کن، و هرکه دربارهٔ من حیله کرد،

فَكِدْهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ مَكْرَهُ وَ بَأْسَهُ وَ أَمَانِيَّهُ،

در حقش حیله کن، و از من حیله و نیرنگ و نیرو و آرزویش را بازگردان،

وَ امْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّىٰ شِئْتَ، اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ

و او را از من بازدار هرگونه که خواهی، و هر کجا که خواهی. خدایا او را سرگرم کن

عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبُرُهُ، وَ بِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَ بِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا،

از من به فقری که جبرانش نکنی، و به بلایی که نپوشانی‌اش، و به نیازی که سدش نکنی،

وَ بِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَ ذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ، وَ بِمَسْكَنَةٍ لَا تَجْبُرُهَا،

و به دردی که عافیتش ندهی، و ذلتی که عزیزش ننمایی، و مسکنتی که جبرانش نفرمایی.

اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نُصْبَ عَيْنَيْهِ، وَ أَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ

خدایا بزن خواری را در برابر دو چشمش، و وارد کن تهیدستی را بر او

فِي مَنْزِلِهِ، وَ الْعِلَّةَ وَ السُّقْمَ فِي بَدَنِهِ، حَتَّىٰ تَشْغَلَهُ عَنِّي

در منزلش، و بیماری و درد را در بدنش، تا او را از من سرگرم کنی

بِشُغُلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَ أَنْسِهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ

سرگرمی‌ای که فراغتی برایش نباشد، و مرا از یادش ببر، چنان که از یادش بردی

ذِكْرَكَ، وَ خُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ

یاد خودت را و نگاه‌دار از من گوش و چشم و زبان و دست و

رِجْلِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَ أَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ

پا و قلب و همهٔ اعضایش را، و وارد کن بر او در همهٔ

ذَلِكَ السُّقْمَ، وَ لَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغُلاً

آن‌ها بیماری، و شفایش مده، تا آن را قرار دهی برای او سرگرمی

شَاغِلاً بِهِ عَنِّي وَ عَنْ ذِكْرِي، وَ اكْفِنِي يَا كَافِيَ مَا لَا

سرگرم‌کننده‌ای، از من و یاد من، و کفایت کن از من ای کفایت‌کننده، آن چه را که

يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَ سِوَاكَ، وَ مُفَرِّجٌ لَا

غیر تو کفایت نکند، تویی کفایت‌کننده‌ای که کفایت‌کننده‌ای جز تو نیست، و گشاینده‌ای که

مُفَرِّجَ سِوَاكَ، وَ مُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ، وَ جَارٌ لَا جَارَ

گشاینده‌ای جز تو نیست، فریادرسی که جز تو فریادرسی نیست و پناهی که پناهی

سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ، وَ مُغِيثُهُ سِوَاكَ،

جز تو نیست، نومید گشت آنکه پناهش جز توست، و فریادرسش جز تو،

وَ مَفْزَعُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَ مَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَ مَلْجَؤُهُ إِلَى

و پناه‌گاهش جز تو، و گریزگاهش جز تو، و ملجأش

غَيْرِكَ [سِوَاكَ] وَ مَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَ

جز تو، و جای نجاتش از مخلوق غیر توست؛ پس تویی مورد اعتمادم و

رَجائِي وَ مَفْزَعِي وَ مَهْرَبِي وَ مَلْجَئِي وَ مَنْجَايَ، فَبِكَ

امیدم، و پناه‌گاه و گریزگاهم و ملجأ و جای نجاتم، به تو

أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ

گشایش می خواهم، و به تو رستگاری می جویم، و به محمد و خاندان محمد رو می کنم

إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ وَ أَتَشَفَّعُ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ،

به‌سوی تو، و متوسل می‌شوم، و شفاعت می خواهم؛ ای خدا، ای خدا، ای خدا،

فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ أَنْتَ

سپاس و شکر تو راست، شکایت تنها به‌سوی توست، و تویی

الْمُسْتَعَانُ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

که به یاری خواسته شده‌ای، از تو می خواهم؛ ای خدا، ای خدا، ای خدا، به‌حق محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و خاندان محمد، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و

تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا،

غم و نگرانی و اندوه شدید مرا در این حالت برطرف کنی،

كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ، وَ

همچنان که از پیامبرت نگرانی و غم و اندوه را برطرف نمودی،

كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ

و او را از هراس دشمنش کفایت کردی، پس از من برطرف کن همچنان که برطرف

عَنْهُ، وَ فَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَ اكْفِنِي كَمَا

نمودی از او، و از من بگشای همچنان که از او گشودی، و مرا کفایت کن همچنان که

كَفَيْتَهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَ مَؤُونَةَ

او را کفایت کردی، و از من برگردان هراس آن چه را که از هراسش می ترسم، و سختی

مَا أَخَافُ مَؤُونَتَهُ، وَ هَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ، بِلَا مَؤُونَةٍ

آنچه را که از سختی‌اش می‌ترسم، و نگرانی آن‌چه را که از نگرانی‌اش بیم دارم،

عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَ اصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَ

بدون هیچ زحمتی از این بابت بر من، و مرا بازگردان به برآوردن حاجاتم، و

كِفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ، يَا أَمِيرَ

کفایت آن‌چه مرا نگران کرده، نگرانی‌اش از کار آخرت و دنیایم، ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ

مؤمنان و ای اباعبدالله، بر شما از جانب من سلام خدا

أَبَدًا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ

همیشه و تا شب و روز هست، و خدا این زیارت را آخرین بار

مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمَا، اَللَّهُمَّ أَحْيِنِي

از زیارت شما قرار ندهد، و بین من و شما جدایی نیندازد. خدایا زنده بدار مرا

حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ، وَ أَمِتْنِي مَمَاتَهُمْ، وَ تَوَفَّنِي عَلَىٰ

چون زندگی محمد و فرزندان او، و بمیران مرا چون مرگ آنان، و جانم را بگیر بر

مِلَّتِهِمْ، وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ

آیین ایشان، و محشور کن مرا در زمرهٔ آنان، و بین من و ایشان جدایی مینداز

طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

هیچ‌گاه حتی به اندازه چشم برهم‌زدنی در دنیا و آخرت. ای امیرمؤمنان،

وَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي

و ای اباعبدالله، برای زیارتتان به‌جانب شما آمدم، و متوسلم به خدا، پروردگارم

وَ رَبِّكُمَا، وَ مُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا، وَ مُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى

و پروردگارتان، و به‌وسیله شما متوجه به سوی اویم، به‌وسیلهٔ شما خواستار شفاعتم به

اللَّهِ تَعَالَىٰ فِي حَاجَتِي هَٰذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ

پیشگاه خدا دربارهٔ این حاجتم، پس شما برای من شفاعت کنید، که برای شما نزد

اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ الْجَاهَ الْوَجِيهَ وَ الْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ

خدا مقام ستوده و منزلتی آبرومند و جایگاهی بلند

وَ الْوَسِيلَةَ، إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنَجُّزِ الْحَاجَةِ

و وسیله است، من از نزد شما باز می‌گردم، درحالی‌که چشم دارم به تحقق حاجت،

وَ قَضَائِهَا وَ نَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ

و برآمدن و به انجام رسیدنش، از جانب خدا، به شفاعت شما به درگاه خدا برای خود

فِي ذَلِكَ، فَلَا أَخِيبُ وَ لَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا

دربارهٔ آن؛ پس ناامید نگردم و نمی‌باشد بازگشت‌گاهم نومیدانه

خَاسِرًا، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا

و زیان‌کارانه، بلکه بازگشتم بازگشتی نیک و همراه رستگاری و

مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَ تَشَفَّعَا لِي

پیروزی و استجابت شده به جمیع حاجت‌هایم، پس شفاعت کنید برایم

إِلَى اللَّهِ، اِنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

به‌سوی خدا تا بازگردم به آن‌چه خدا خواهد. جنبش و نیرویی نیست مگر

بِاللَّهِ، مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، مُلْجِئًا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ،

به خدا، واگذار کننده‌ام کارم را به خدا، با تکیه دادنم به خدا،

مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَ أَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى، سَمِعَ

در حال توکل بر خدا، و می‌گویم خدا مرا بس است و کافی است، می‌شنود

اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَ وَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي

خدا صدای کسی را که او را خواند، برای من ورای خدا و ورای شما، ای سرورانم نیست

مُنْتَهًى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَ لَا

سرانجامی، آن‌چه پروردگارم خواست شد، و آن‌چه نخواهد نمی‌شود، نیست

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ، وَ لَا جَعَلَهُ

جنبش و نیرویی، جز به خدا. شما را به خدا می‌سپارم، و خدا قرار ندهد

اللّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا، اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا

این زیارت را آخرین زیارت من از شما. بازگشتم، ای آقای من ای امیر

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلَايَ وَ أَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ يَا

مؤمنان و مولای من، و تو ای اباعبدالله، ای

سَيِّدِي، وَ سَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَ

سرور من و سلامم بر شما پیوسته باد، تا شب

النَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا

و روز پیوسته است، این سلام به شما می‌رسد، نه اینکه سلامم از شما پوشیده باشد

سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللّهُ، وَ أَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَ

اگر خدا خواهد، و از او می‌خواهم به‌حق شما اینکه بخواهد آن را

يَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا

و انجام دهد، چراکه او ستوده و بزرگوار است. ای دو سرورم از نزد شما بازگشتم،

تَائِبًا حَامِدًا لِلّهِ شَاكِرًا رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ

در حال توبه و سپاس برای خدا، و شکرگزار و امیدوار به اجابت، بدون یأس

وَ لَا قَانِطٍ آئِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا، غَيْرَ رَاغِبٍ

و ناامیدی، بازگردنده و بازگشت‌کننده و رجوع‌کننده به زیارت شمایم، نه روگردان

عَنْكُمَا وَ لَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ

از شما، و نه از زیارتتان، بلکه رجوع‌کننده و بازگشت‌کننده‌ام اگر خدا بخواهد،

اللهُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ، يَا سَادَتِي رَغِبْتُ

و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا، ای آقایانم رغبت نمودم،

إِلَيْكُمَا وَ إِلَىٰ زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فِيكُمَا وَ فِي

به سوی شما و به‌سوی زیارتتان پس از آنکه بی‌رغبت شدند نسبت به شما و

زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خَيَّبَنِيَ اللهُ مَا رَجَوْتُ وَ مَا أَمَّلْتُ

به زیارتتان اهل دنیا. خدا مرا ناامید نسازد از آن‌چه امید و آرزو کردم

فِي زِيَارَتِكُمَا، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

در زیارت شما؛ به درستی که او نزدیک و پاسخ دهنده است.